

**«صلی الله علیک یا فاطمه الزهرا»**

**مظلومیت صاحب فدک**  (داستان)

* چند روزی است که خیلی گرفته به نظر می رسی، جریان چی است؟
* تو که از جریان فوت پدربزرگم با خبر هستی، بعد از فوت ایشان با اینکه مدت زمانی نگذشته، اتفاقات زیادی در خانواده ما افتاد. مادر من تنها فرزند پدربزرگم بود و از نظر عاطفی، به شدت به پدربزرگم وابسته بود. این جریان، ضربه سختی برایشان بود و تکیه گاه بزرگی را از دست داده بود. این بود که کارش شده بود گریه و بی تابی کردن. اما در همین ایام، برای سر و سامان دادن به کارهای پدربزرگ، یک سری کار دادگاهی پیش آمد که مادر من به عنوان تنها وارث مجبور بود در دادگاه شرکت کند. فکرش را بکن، حضور مادر من در آن شرایط در دادگاه چقدر برایش سخت بود. ما سعی می کردیم هر چیز که مادر را بیشتر به یاد پدربزرگ می اندازد از جلوی نظر او دور کنیم و حالا درست در جایی قرار گرفته بود که باید دائم از پدربزرگ حرف می زد و … به خاطر ادعای بی دلیل یک نفر که قسمتی از اموال پدربزرگ برای اوست و برای شنیدن مدارک بی اساس او مادر باید این سختی را متحمل می شدند. به جای اینکه در خانه باشند …

همه اینها با هم خیلی درگیر و ناراحتم کرده …

* می توانم چند تا سوال از تو بپرسم؟
* البته.
* در طی این مدت که مادرت عزادار بود، کسی هم برای تسلیت گویی پیششان می آمد؟
* خوب، معلوم است. فامیل، دوستها، همسایه ها ... واقعاً همه خیلی لطف داشتند.
* توی این روزها، نشد که کسی بیاید و بگوید، عزاداری شما ما را ناراحت کرده، چقدر مادرتان گریه می کند؟
* نه، این چه سوالی است. مادر من ناراحت بود و معلوم است که به این سادگی آرام نمی شد.
* یک سوال دیگر: در دادگاه از مادر شما هم مدرک خواستند تا ثابت کنند اموال، حق ایشان است؟
* نه، کسی که داره ادعای جدید می کند باید دلیل و شاهد بیاورد، نه کسی که قانوناً اموال از آنِ اوست. ببینم، این سوال ها چه ربطی به هم دارند؟ چرا اینها را می پرسی؟
* آخر من یک بانویی را می شناسم که او هم پدرش را بسیار دوست می داشت و پدر او به درستی هم دوست داشتنی بود. پدر او، اشرف مخلوقات خداوند، حضرت محمد مصطفی صل الله علیه و آله و خودش، بانوی بانوان دو عالم، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است. شدت محبت این پدر و دختر تا به آنجا بود که او را «ام ابیها» (یعنی مادر پدرش) می نامیدند.[[1]](#footnote-1)

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله غصه و اندوه حضرت زهرا سلام الله علیها در سوگ پدر بی حد و اندازه بود.

او شب و روز مشغول گریه و زاری بود. نه اشکش می خشکید و نه ناله اش فرو می نشست.

مادر تو را دلداری می دادند، نه؟ اما می دانی با این بانو چه کردند؟

عده ای به نزد حضرت علی علیه السلام آمدند و گفتند: ای اباالحسن، فاطمه سلام الله علیها شب و روز گریه می کند و ما نه شب ها خواب داریم و آرام و خوشی و نه روزها به هنگام کار و فعالیت، آسایش خاطر. از او بخواهید یا شب گریه کند یا روز!!![[2]](#footnote-2)

از چنین مردمی، چه جای تعجب است اگر اندکی بعد، ادعایی بس گزافتر بکنند. آنها که ماتم دختری را برای پدر تاب نمی آورند. معلوم بود که خیلی چیزهای دیگر را هم تاب نخواهند آورد.

می دانی چه ادعایی کردند؟« فدک از آنِ حضرت زهرا سلام الله علیها نیست!»

حال آنکه جریان بخشش فدک به فاطمه سلام الله علیها را همه می دانستند.

سال هفتم هجرت و سه سال قبل از رحلت پیامبر اکرم صل الله علیه و اله بعد از فتح قلعه خیبر، یهودیانی که در آبادی نزدیک خیبر زندگی می کردند، در حال صلح آنرا به پیامبر بخشیدند. بنابراین فدک« فی» بود که حق پیامبر بود و نه همه مسلمین.

پس از نزول آیه «و ات ذی القربی حقه» به خویشاوندان خود حق آنها را بده. به پیامبر، حضرت، فدک را به عنوان حق حضرت زهرا سلام الله علیها به ایشان بخشیدند.[[3]](#footnote-3)

بنابراین فدک حق مسلم بانوان دو عالم بود.

اما آنها برای انکار این حق، مدعی شدند که پیامبران از خود ارث باقی نمی گذارند!!

در صورتی که در قرآن آمده:

***و ورث سلیمان داوود»، سلیمان از داوود ارث برد.***[[4]](#footnote-4)

و یا در داستان یحیی فرزند زکریا آمده است که زکریا گفت:

فهب لی من لدنک ولیاً یرثنی و یرث من آل یعقوب[[5]](#footnote-5)

پروردگارا مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد.

آیا آیه مخصوصی در مورد پیامبر نازل شده بود که ارث باقی نمی گذارد؟ و یا حضرت زهرا سلام الله علیها را مستثنی کرده باشد؟

این ادعایی بس گزاف بود!

اما آنها کار را بالاتر گرفته و از حضرت فاطمه سلام الله علیها شاهد طلبیدند!

همه جا رسم است کسی که مدعی شده، شاهدی بر ادعای خود می آورد. خود پیامبر فرموده اند: مدعی باید گواه ارائه کند و مدعی علیه، در صورت نپذیرفتن سوگند به جا می آورد.[[6]](#footnote-6)

اگر چیزی در اختیار مسلمانی باشد و کسی ادعای مالکیت کند، از چه کسی باید گواه طلبید؟

حال آنها از صاحب مال، می خواستند ثابت کند که مال، از آن اوست!

آن هم چه صاحب مالی؟ از فاطمه سلام الله علیها شاهد می طلبند، همو که خداوند در شأن او می فرماید:

همانا خداوند خواسته است تا رجس و ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شما را

پاک گرداند، پاک گرداندنی![[7]](#footnote-7)

به استناد همین آیه، خداوند هرگونه آلودگی را از آن بزرگ بانو به دور داشته است. حال بر ادعای صدق او شاهد می طلبند؟!!

این یعنی برگواهی خدا هم تردید کردن!

با این حال، فاطمه سلام الله علیها «ام ایمن» را به گواهی آورد.

او را که می شناسید؟ او کسی است که پیامبر صلی الله علیه و اله درباره اش فرمودند: به درستی که ام ایمن بانویی از بانوان بهشت است.[[8]](#footnote-8)

پس او نیز شهادت داد که پس از نزول آیه «و ات ذی القربی حقه» رسول خدا، به فرمان خداوند فدک را به فاطمه زهرا سلام الله علیها بخشیدند.

پس از آن شاهد دیگری برای ادای شهادت آمد که اگر تمامی دنیا در برابر او می ایستادند، شهادت او بر همگان برتری داشت.

امیرالمومنین علیه السلام بر صدق گفتار فاطمه سلام الله علیها مهر تأیید می زند.

اما می دانید چه پاسخ می شنوند؟

«ام ایمن یک زن می باشد و شهادت یک زن ارزشی ندارد!

و اما علی، به نفع خود شهادت می دهد و چون در این گواهی ذینفع است، شهادتش قبول نمی باشد!![[9]](#footnote-9)

جایی که صدیقه طاهره، شاهد می طلبد، چه جای عجب که در مورد علی علیه السلام که پیامبر صل الله علیه و اله در موردش فرمودند:

«علی مع الحق و الحق مع علی» ، علی با حق است و حق با علی است.

بگویند که از روی نفع شخصی شهادت می دهد!

سخن را خلاصه کنم. اگر تو چند روز است که گرفته و ناراحتی، ما 14 قرن است که با مرور جریان فدک، خون دل می خوریم و بغض گلویمان را می فشارد و تنها دل به این خوش داریم و خود را تسلی می دهیم که روزی، فرزند صاحب فدک خواهد آمد و این حقِ به ناحق گرفته شده را به اهلش باز خواهد گرداند.

1. بحار الانوار/ 43/ 175- 176 ( به نقل از کتاب کلبه احزان/ ص 248- 251) [↑](#footnote-ref-1)
2. بحار الانوار / 43/ 175- 176

   [↑](#footnote-ref-2)
3. فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر/ ص 550 [↑](#footnote-ref-3)
4. نحل/ 16 [↑](#footnote-ref-4)
5. مریم/ 6 [↑](#footnote-ref-5)
6. احتجاج / 1 / 119- 123 ( به نقل از کتاب فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر/ ص 561) [↑](#footnote-ref-6)
7. احزاب/ 33 [↑](#footnote-ref-7)
8. احتجاج/ 1 / 119- 123 (به نقل از کتاب فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر/ ص 561) [↑](#footnote-ref-8)
9. فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر/ ص 563

   [↑](#footnote-ref-9)